

ماریو سوزا:

میدان جنگ در تفلیس - چگونه اتحادیه اروپا تلاش می‌کند تا رویدادها در یک کشور را مهندسی کند.

۱۸ دسامبر ۲۰۲۴ برابر با ۲۸ آذرماه ۱۴۰۳

برگردان به فارسی از نادر ثانی

در این نوشته که در نخستین شماره سال ۲۰۲۵ نشریه هفتگی "پرولتار Proletären"، ارگان "حزب کمونیست" سوئد به چاپ رسیده است "ماریو سوزا Mario Sousa" که به تازگی از گرجستان به سوئد بازگشته است می‌نویسد، قدرت‌های غربی امیدوارند که تظاهرات در میدان آزادی در پایتخت گرجستان به سقوط دولت منجر شود و به این ترتیب شرایطی شبیه به آنچه رویدادهای میدان "میدان" در اوکراین در سال ۲۰۱۴ روی داد به وجود آید. اما سوزا اضافه می‌کند که شرایط موجود در تفلیس با آنچه در آن زمان در کیف شاهد آن بودیم متفاوت است.



در خلال صدها سال، تفلیس، پایتخت گرجستان، جذابیت زیادی برای همه مردم روسی‌زبان، و در واقع، برای تمام توده‌های اروپای شرقی داشته است. این جذابیت تا حدودی به خاطر غذا، فرهنگ و میهماندوستی مردم آن، اما شاید بیش از آن به خاطر شخصیت مردم آن، مردمی مغرور که می‌توانند در هر شرایطی از پس خود برآیند، بوده است.

من و همسرم ایرینا در شب ۲۸ و ۲۹ نوامبر برای شرکت در یک جشن تولد و همچنین برای مشاهده اوضاع سیاسی موجود به تفلیس آمدیم. می‌دانستم که چیزی در جریان است و آن اینکه اپوزیسیون سیاسی علیه حزب حاکم، "رویای گرجستان"، خواستار تظاهرات خواهد شد. اما به هیچوجه نمی‌دانستم که ما درست در زمان برقراری تظاهرات به تفلیس می‌رسیم!

زمانی که تاکسی به هتل نزدیک شد، به دلیل مسدود شدن خیابانها از جانب پلیس مجبور شدیم از مسیر خارج شویم. در همه‌جا آدم‌های زیادی بودند. از راننده تاکسی پرسیدم چه اتفاقی افتاده است. در جواب لبخندی زد و گفت که نوعی اعتراض به دولت در جریان است. آتش‌بازی بزرگی در جریان بود، انفجارات آن آنقدر شدید بود که در اتاق هتل به خوبی شنیده می‌شدند.

نه آن شب و نه سه شب پس از آن توانستیم که درست بخوابیم. هتل ما تنها چند صد متر از خیابان "روستاولی"، جایی که پارلمان گرجستان در آن قرار دارد و از ۲۸ نوامبر هر شب در آن تظاهرات برگزار می‌شد، فاصله داشت.

در طول روز تفلیس شهری آرام است که گردشگران در همه‌جای آن دیده می‌شوند. در شهر تعداد زیادی توریست روسی‌زبان وجود دارند. زبان این کشور "گرجی"

است، اما زبان مادری بسیاری از مردم روسی است و استفاده از زبان روسی در زندگی روزمره رایج است. وقتی سوار اتوبوس توریستی در شهر شدیم، تقریباً تمام هدفون‌ها با اطلاعات از پیش ضبط‌شده روی زبان روسی تنظیم شده بودند. اگر به یک کافه یا رستوران می‌روید، می‌توانید با کارکنان روسی صحبت کنید که به زبان روسی روان پاسخ می‌دهند.

همان روز اول وارد کافه کوچکی شدیم که دو زن در آن کار می‌کردند. من در این فکر بودم که آنها در مورد تظاهرات چه فکر می‌کنند. شاید کمی دیپلماتیک پاسخ دادند که در گذشته، در زمان اتحاد جماهیر شوروی، هیچ مرزی در کشور وجود نداشت، می‌شد آزادانه حرکت کرده و در همه‌جا با دوستان و اقوام ملاقات کرد، هیچ مشکلی وجود نداشت. گفتند که دوران جوانی آنها دوران خوبی بود، آرامش برقرار بود. یکی از آنها گفت: "اکنون وضع سخت‌تر است، آدم نمی‌داند چه چیزی را باور کند".

او گفت که دولت در تلاش است تا آنچه می‌تواند انجام دهد، اما میزان بیکاری بالا و دستمزدها بسیار پایین است. بسیاری مجبورند برای امرار معاش کشور را ترک کنند و به کشورهای عضو اتحادیه اروپا بروند. او درباره تظاهرات شبانه گفت: - همه می‌خواهند اوضاع بهتری داشته باشند، اما جنگیدن خوب نیست.

من تماس‌های دیگرم با مردم عادی تفلیس در پیاده‌روی‌های طولانی خودم در شهر با برخوردی مانند گفته این زن مواجه شدم. در طول روز، زندگی طبق روال عادی پیش می‌رود. نان گرم تازه پخته‌شده‌ای را به قیمت ۱.۳ لاری (حدود نیم دلار آمریکا) در یک نانوايي کوچک در نزدیکی "کلیسای جامع ترینیتی" خریدیم. حتی در صف نان هم می‌توان مکالمات مهمی داشت.

بسیاری می‌گویند: "روزگار سخت است اما ما می‌خواهیم در آرامش زندگی کنیم." این یک نگرش کلی است. تعداد کمی حاضرند تظاهرات خشونت‌آمیز را تأیید کنند و هیچ‌کس از آنان که در صف نان است در هیچ تظاهراتی شرکت نکرده است.

به سمت مرکز شهر می‌رویم، می‌ایستیم، نانمان را در یک پارک کوچک می‌خوریم. در کنار آن گنجشک‌های شادی در گودال کوچکی آبتنی می‌کنند. آنها از ما و دیگر افرادی که در نزدیکی هستند خرده نان می‌گیرند. در این شهر نمی‌توان از سگ‌های آواره فرار کرد. آنها همه‌جا هستند. چاق و چله هستند و رفتاری دوستانه دارند. همه به سگ‌ها غذا می‌دهند و آنها را نوازش می‌کنند. به گوش تمام سگ‌های آواره یک برچسب زرد بزرگ چسبانده شده، که نشان‌دهنده این است که آنها واکسینه شده‌اند.

متأسفانه مناطق خارج از ناحیه توریستی بسیار فرسوده است و پوسیدگی فراوان در همه‌جا دیده می‌شود. هیچ‌کس از خیابان‌ها و ساختمان‌هایی که می‌توانستند فوق‌العاده زیبا باشند، نگهداری نمی‌کند.

در کشوری که پس از فروپاشی شوروی سرمایه قدرت کامل را در دست گرفت و بر اساس منافع خود عمل می‌کند، اوضاع اینگونه است. این کشور توسط میلیاردرها اداره می‌شود. هر حزب سیاسی با نمایندگی در پارلمان، از جمله حزب حاکم "رویای گرجستان"، توسط یک یا چند میلیاردر کنترل می‌شود.

تفاوت بین این حزب و سایرین در این است که "رویای گرجستان" می‌خواهد کشور از طریق تماس‌های خوب با شرق و غرب، با روسیه، بلاروس و سایرین در یک طرف و با اتحادیه اروپا، ایالات متحده و دیگران از طرف دیگر توسعه یابد. آنها معتقدند که اینچنین سیاستی برای تجارت، رفاه و صلح خوب است. و این تعادل دشواری است که "یانوکویچ" رئیس‌جمهور سابق اوکراین تلاش کرد آن را حفظ کند و با عواقب وحشتناکی در آن کشور به پایان رسید.

اپوزیسیون گرجستان، به نوبه خود، می‌خواهد راه را به طور کامل بر روسیه ببندد تا گرجستان به یک کشور اتحادیه اروپا در رویارویی مستقیم با روسیه تبدیل شود. خود آنها اذعان دارند که خواسته‌هایشان بسیار شبیه اهداف فاشیست‌هایی که پس از کودتای ۲۰۱۴ بر اوکراین مسلط شدند می‌باشد. اپوزیسیون گرجستان را می‌توان به بهترین وجه به مثابه بلندگوهای برای ایالات متحده، سیا و اتحادیه اروپا تشبیه کرد. هر انتقادی از سوی غرب علیه دولت گرجستان، منجر به آن می‌شود که مخالفان به سمت دولت حمله برند.

بر روی یکی از ساختمان‌های بزرگ و باشکوه در "میدان آزادی" در مرکز تفلیس، «مرکز اطلاعات ناتو و اتحادیه اروپا» قرار دارد. آیا این ساختمان بزرگ تنها برای اطلاع رسانی است؟ البته نه. از آنجا دستوراتی می‌آید که مخالفان از آن پیروی می‌کنند و همه تبلیغاتی که علیه روسیه در سراسر جامعه انجام می‌شود از آنجا صادر می‌شوند.

هزینه عملیات بسیار پرهزینه این "مرکز اطلاعات" از طریق کمک‌های مالی و در عمل توسط سیا پرداخت می‌شود. "مرکز اطلاعات" تا آنجا که می‌تواند بر جامعه گرجستان برای جنگ علیه روسیه تأثیر می‌گذارد. کار این مرکز در گرجستان کاملاً قانونی بوده است.

اما در این اواخر اوضاع برای "مرکز اطلاعات" سیا و دیگر تبلیغاتگران غرب در گرجستان تغییر کرده است. در ماه مه ۲۰۲۴، پارلمان گرجستان لایحه‌ای به نام "قانون ماموران خارجی" را با اکثریت ۸۴ رای موافق در مقابل چهار رای مخالف تصویب کرد.

این قانون در رابطه با شفافیت نفوذ خارجی در گرجستان است و به موجب آن تمامی سازمان‌های غیر دولتی و رسانه‌هایی که بیش از ۲۰ درصد از درآمد خود را از کشورهای دیگر دریافت می‌کنند مجبور هستند به عنوان "نمایندگان قدرت خارجی" در وزارت دادگستری گرجستان ثبت نام کنند. این دسته‌بندی باید همچنین در تمامی نشریات این سازمان‌ها مشهود باشد.

قوانین مشابهی در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده وجود دارد. اما سیا از تصویب این قانون در گرجستان دیوانه شد! تصور کنید همه تبلیغات آنها از پایگاه اطلاع رسانی باید تحت برچسب عامل خارجی باشد! سیا این امر را فاجعه‌ای تلقی می‌کند. از این رو این قانون بایستی متوقف می‌شد.

این امر با امتناع رئیس‌جمهور طرفدار غرب کشور، "سالومه زورابیشویلی" (فردی که ریشه‌ای فرانسوی-گرجستانی دارد) از امضای این قانون آغاز شد. سالومه زورابیشویلی در سال ۲۰۰۲ به عنوان سفیر فرانسه از فرانسه به گرجستان آمد اما در دسامبر ۲۰۱۸ توانست رئیس‌جمهور گرجستان شود.

پس از امتناع رئیس‌جمهور گرجستان از امضای قانون عوامل خارجی، زمان آن رسیده بود که آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه ایالات متحده، پیمانهای همکاری دوجانبه با گرجستان را مورد بازنگری قرار دهد. تجارت مهم متوقف شد و پول کمتری وارد کشور شد. حزب حاکم گرجستان به نوبه خود تصمیم بلینکن را خنده دار خواند.

هنگامی که رئیس‌جمهور گرجستان از امضای این قانون امتناع کرد، رئیس مجلس، "شالوا پاپواشویلی"، با استفاده از حق قانونی خود قانون را امضا کرد که از سوم ژوئن ۲۰۲۴ لازم‌الاجرا شد.

سپس مخالفان علیه قانون بسیج شدند و تظاهرات گسترده‌ای علیه دولت را در تفلیس و چند شهر دیگر برگزار کردند. از آن زمان تضادها در جامعه افزایش یافته است.

اقدامات ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه دولت گرجستان در خلال این مدت همواره در حال افزایش است و آنها هر چه در توان دارند برای رسیدن به اهداف خود به کار می‌گیرند.

یکی از این موارد در زمان انتخابات پارلمانی گرجستان در ۲۶ اکتبر بود. در نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط شرکت‌های آماری گرجستان، به نظر می‌رسید که حزب حاکم "رویای گرجستان" به سوی یک پیروزی آشکار می‌رود. اما در نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط شرکت‌های خارجی (از ایالات متحده و اتحادیه اروپا) پیش‌بینی می‌شد که در انتخابات به سه حزب ائتلاف مخالف رای بیشتر داده شده و آنها پیروز می‌شوند.

در انتخابات، حزب حاکم "رویای گرجستان"، همانطور که نظرسنجی‌های گرجستان پیش‌بینی می‌کردند، به پیروزی آشکاری دست یافت. اما این نتیجه برای مخالفان قابل قبول نبود. آنها به نظرسنجی‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا ارجاع داده و دولت را به تقلب در انتخابات متهم کرده و انتخابات را باطل اعلام کردند. بدین ترتیب اپوزیسیون بار دیگر تظاهرات علیه دولت را ترتیب داد.

بحث سیاسی در گرجستان در مورد مسائل ماهوی امری استثنایی است. در سیاست داخلی، تفاوت بین دولت و اپوزیسیون اندک است. سیاستی که هر دو به

کار می‌برند برآوردن خواسته‌های سرمایه‌داری است با تفاوت‌های کوچکی در مواردی چون مراقبت‌های بهداشتی، آموزش، تعمیر و نگهداری جاده‌ها و میادین، حمل و نقل عمومی، دستمزدها و موارد دیگر می‌باشد.

به راستی چیز زیادی آنها را از هم جدا نمی‌کند، اگرچه این تفاوت می‌تواند مهم باشد. این سیاست خارجی است که در همه بحث‌های این کشور تعیین‌کننده است. دولت معتقد است که تفاوت در سیاست خارجی می‌تواند کشور را در مسیری خطرناک به سوی جنگ داخلی هدایت کند.

تعیین‌کننده تمایل ایالات متحده برای بستن راه نفوذ روسیه در گرجستان و نگه داشتن این کشور در خط مقدم در جنوب در جنگ احتمالی آتی علیه روسیه است. همانند سوئد که الان در کشورهای شمال اروپا دارای چنین نقشی است. و ایالات متحده و سیا از هر وسیله‌ای برای جلب گرجستان به هدف خود استفاده می‌کنند.

با این حال، مذاکرات دولت گرجستان با اتحادیه اروپا با هدف رسیدن به یک توافقنامه ارتباط ادامه یافت. اتحادیه اروپا از دولت گرجستان خواست چندین قانون را برای انطباق با قوانین اتحادیه اروپا لغو کند. درجه اول "قانون ماموران خارجی" مورد نظر آنان بود، قانونی که شفافیت در مورد نفوذ خارجی در گرجستان را هدف خود قرار داده است. این اولین و مهم‌ترین خواسته اتحادیه اروپا بود. دولت گرجستان این خواسته را نپذیرفت. اتحادیه اروپا سپس تهدید کرد که کمک به گرجستان را لغو خواهد کرد. دولت آن را یک مداخله گستاخانه تلقی کرد و به همین شکل به آن پاسخ داد.

در ۲۸ نوامبر، "ایراکلی کوباخیدزه"، نخست‌وزیر گرجستان، اعلام کرد که مقامات گرجستان تصمیم گرفته‌اند پروسه بررسی الحاق این کشور به اتحادیه اروپا را تا پایان سال ۲۰۲۸ متوقف کنند. همچنین اعلام شد که گرجستان تصمیم گرفته است که دریافت کمک‌های اقتصادی از اتحادیه اروپا را در طول این دوره متوقف کند.

کوباخیدزه گفت که مذاکرات با اتحادیه اروپا باید با عزت و نه از طریق باج‌خواهی و توهین انجام شود. نخست‌وزیر گرجستان همچنین اعلام کرد که گرجی‌ها مردمی مغرور هستند که هدایایی اینگونه را نمی‌پذیرند.

بیانیه نخست‌وزیر باید برای اتحادیه اروپا لگد در معده تلقی شده باشد. استعمارگرانی که به تصمیم‌گیری و تعیین کردن عادت داشتند بیرون رانده شدند.

در اینجا غرب به ضدحمله متوسل شد. "مرکز اطلاعات" ناتو و اتحادیه اروپا در میدان آزادی به کاری دیوانه‌وار مشغول و برای سرنگونی دولت گرجستان بسیج شدند. اپوزیسیون باید هرکسی را که می‌توانست برای برپایی تظاهرات بزرگ علیه دولت به میدان می‌آورد. سه حزب اپوزیسیون خزانه‌ها را باز کردند و تا هزینه سازماندهی تظاهرات را پردازند؛ امری که ارزان نبود. شرایط یادآور اوضاع اوکراین در سال ۲۰۱۴ بود.

مهم این بود که از فرصت سیاسی، مذاکرات تعلیق شده با اتحادیه اروپا، برای جلب تمامی افرادی که می‌توانند مورد بهره‌برداری قرار گیرند استفاده شده و مهم این بود که این کار به سرعت به انجام رسد.

در غروب ۲۸ نوامبر، اولین تظاهرات در پایتخت برگزار شد. در آن زمان بود که من جمعیت زیادی را در هنگام ورودمان به تغلیس از پنجره تاکسی در مسیر هتل در خیابان دیدم.

تمام شب تا ساعت چهار صبح جمعیه رعد و برق آتش‌بازی برقرار بود. عصر جمعه تظاهرات جدیدی برگزار شد و من خودم را به محل تظاهرات خارج از مجلس رساندم تا ببینم چه خبر است.

ازدحام مردم بالا بود، احتمالاً چند هزار نفر در آنجا بودند. بیشتر مردم در آنجا ایستاده بودند، با دوستان صحبت می‌کردند و گهگاه سوت می‌زدند. بسیاری از آنها پرچم گرجستان یا اتحادیه اروپا را بر پشت خود داشتند. چند پرچم اوکراین نیز بر فراز معترضان به اهتزاز درآمده بود.

نمایشی در مقابل چشمان ما در جریان بود. پلیس حرکت ماشینها در خیابان "روستاولی" را که معترضان در آن آزادانه تردد می‌کردند متوقف کرده بود. قهوه‌ای را که از گاری فروش قهوه خریده بودیم در ورودی مرکز خرید نوشیدیم و سپس به سمت مرکز تظاهرات در بیرون مجلس راه افتادیم.

در خیابان "خزینه"، خیابان فرعی خیابان "روستاولی" که مجلس در آن قرار دارد، چند صد نفر در کنار یک مینی‌بوس بزرگ که به تازگی به محل حادثه رسیده بود ایستاده بودند. جعبه‌های بزرگ ماسک گاز از مینی‌بوس خارج شده و بین هر کس که می‌خواست توزیع می‌شدند.

به مرد جوان تنومندی نزدیک شده و به انگلیسی از او پرسیدم که آیا فکر می‌کند ماسک گاز در صورت لزوم در برابر گاز اشک‌آور پلیس مقاومت می‌کند؟ او پاسخ داد که احتمالاً به خوبی کار می‌کند. از فرصت استفاده کرده و پرسیدم او چرا در تظاهرات شرکت می‌کند. پاسخ داد که خواهان انتخابات جدید است و همانطور که اتحادیه اروپا می‌گوید، انتخابات ۲۶ اکتبر عادلانه نبود. من مخالفت کرده و پرسیدم که آیا این اتحادیه اروپا است که در گرجستان تصمیم می‌گیرد که چه چیزی درست و چه چیزی اشتباه است؟

با تردید لبخند زد. جواب نداد. دستش را دراز کرد و گفت اسمش "ولادو" است و اسم من را پرسید. خودم را ماریو از سوئد معرفی کرده و دستش را گرفتم. به من لبخندی زده و گفت به گرجستان خوش آمدید و به سمت تظاهرات رفت. من همین سؤال را از دو دختر ۲۰ ساله پرسیدم که آیا ماسک گاز کار می‌کند؟ آنها با اطمینان پاسخ دادند: "بله".

یکی از دخترها شب قبل در تظاهرات بود و در برابر گاز اشک‌آور قرار گرفته بود. اما بر این گمان بود که امروز با استفاده از ماسک جدید همه چیز خوب خواهد شد. دختر

به پدر و مادرش نگفته بود که در تظاهرات است، والدینش از تظاهرات حمایت نمی‌کنند. او نیز خواهان برگزاری انتخابات جدید است. او کاملاً مطمئن است که در انتخابات ۲۶ اکتبر قلب رخ داده و می‌خواهد که گرجستان به اتحادیه اروپا بپیوندد.

من به طرف مجلس رفتم. سوت و سر و صداهای دیگر سطح صدا را بسیار بالا برده بود. وسط جمعیت ایستاده و عکس و فیلم گرفتم.

جمعی از معترضان با نوعی آتش‌بازی در حال پرتاب ترقه و موشک به سمت مجلس بودند. هیچ پلیسی در آنجا نبود. پلیس‌ها در دو سر خیابان "روستاولی" مستقر بوده و تردد خودروها را متوقف کرده و در پشت یا داخل مجلس آتش‌های ناشی از آتش‌بازی را خاموش می‌کردند. هنوز تظاهرکنندگان از آزادی کامل برخوردار بودند.

این کار حدود یک ساعت ادامه داشت تا اینکه به هتل برگشتیم. پس از آن مطلع شدیم که گروهی از معترضان شروع به پرتاب بمب‌های آتش‌زا به سمت مجلس کرده‌اند. پس از آن پلیس با گاز اشک‌آور و باتوم علیه تظاهرکنندگان به شدت عمل کرده و تظاهرات پایان یافت.

فردای آن روز شنبه ۳۰ نوامبر روز را به فعالیتهای فرهنگی اختصاص داده بودیم. برای شرکت در یک کنسرت در "مرکز موسیقی کاخ‌دزه" با ارکستر سمفونیک تفلیس بلیت خریده بودیم. کنسرتو پیانو چایکوفسکی و سمفونی شماره ۲ سیبلیوس قرار بود نقطه برجسته فرهنگی سفر ما باشد.

به موقع آنجا بودیم که بالای پوستر تبلیغاتی کنسرت یک متن دست‌نویس به زبان گرجی دیدیم. از چند رهگذر پرسیدیم که آیا می‌توانند ترجمه کنند. چند نفر نتوانستند، آنها تنها روسی بلد بودند، اما در نهایت از دختری کمک گرفتیم که به ما گفت کنسرت امشب لغو شده است.

یک سرایدار به من گفت که تمام کنسرت‌های تفلیس تا اطلاع ثانوی لغو شده است. پرسیدم چرا. پاسخ داد:

- آنها چنین تصمیم گرفته‌اند. آنها می‌گویند در شرایط سیاسی ناپایدار، بهترین راه این است.

به خانه اپرا در همان حوالی رفتیم. تمام کنسرت‌ها در تفلیس لغو شده بودند.

تظاهرات آنروز در جوار مجلس تکرار اعتراضات پیشین بود. بار دیگر نمایشی در مقابل چشمان ما قرار گرفته بود.

از رستوران جنب "پلاتو متخی" بیرون آمده و به سمت "میدان آزادی" که خیابان "روستاولی" از آنجا شروع می‌شود به راه افتادیم. مدتی در فروشگاه‌های روبروی "مرکز اطلاعات" ناتو و اتحادیه اروپا توقف کردیم تا آب بخریم. بیرون فروشگاه دو نفر بودند که سرگرم کار مشکوکی بودند. یکی از آنها نقاب سیاهی روی صورتش بود، تنها چشم و دهانش مشخص بود. دیگری شال بزرگی دور صورتش داشت.

آنها داشتند بطری‌های پلاستیکی کوچکی را با مایعی از آمپول‌هایی که با خود داشتند پر می‌کردند: نصف بطری را با آب و نیم دیگر را با آن مایع پر می‌کردند. آنها موفق شدند سه بطری در دست بگیرند و سپس به طرف تظاهرات رفتند. به این فکر افتادیم که می‌خواهند بطری‌ها را به سوی مجلس پرتاب کنند.

بمب‌های آتشینی که دیدیم، کوکتل‌های معمولی به اصطلاح مولوتف با بطری‌های شیشه‌ای نبودند که روشن و پرتاب می‌شوند، می‌ترکند و منفجر می‌شوند. اینها بطری‌های پلاستیکی کوچکی بودند که با برخورد به زمین یا دیوار منفجر می‌شوند.

راهمان را از "میدان آزادی" ادامه دادیم. از کنار ماشین‌های پلیس و کامیون‌هایی با ماشین‌های آب‌پاش و ماشین‌های آتش‌نشانی رد شدیم و به سمت مجلس رفتیم.

تظاهرات این روز نیز بسیار شبیه به قبل بود: به همان تعداد، اکثراً جوان، بسیاری از آنها شاید حداکثر ۴۰ ساله، مسن‌تر از این سن زیاد نبودند. همه چیز مانند پیش بود، اما اکنون معترضان مواد آتش‌زای قوی‌تری داشتند که با سرعت بالایی به سمت مجلس، بین ستون‌های بزرگ در ورودی آن، پرتاب می‌شد. مدام صدای انفجار می‌آمد.

زیاد در آنجا نمایدیم. دیدیم که چگونه بین معترضان غذا، پیتزا، نان، ساندویچ و بطری آب توزیع شد.

در هتل صداها طنین انداخته بودند، خوابیدن سخت بود. در ساعت سه تلاش کردم تعداد انفجارات را بشمارم؛ حدود ۲۰ تا ۳۰ ضربه در دقیقه بود! و این انفجارات ساعت به ساعت، در تمام شب ادامه داشتند! در این روز نیز تظاهرات با پرتاب بمب‌های آتش‌زا به سمت مجلس خاتمه یافت و پلیس با استفاده از گاز اشک‌آور حمله متقابل کرد.

تظاهرات عصر یکشنبه نیز تکرار تظاهرات قبلی بود. تعداد تظاهرکنندگان همچنان زیاد بود اما نسبت به تظاهرکنندگان روزهای پیشین تا حدودی کمتر بود. معترضان مانند گذشته با سوت، پرچم، آتش‌بازی و بمب‌های آتش‌زا علیه مجلس عمل می‌کردند.

این بار نیز بسیاری از لیزرهای سبز قوی علیه پلیس و نگهبانان مجلس که در تلاش برای خاموش کردن حریق بودند، استفاده کردند، اما بیشتر مردم فقط در اطراف ایستاده بودند و عاملان را تشویق می‌کردند.

روز بعد شنیدیم که تظاهرات این بار هم با آتش زدن مجلس توسط بمب‌های آتش‌زا تمام شده بود. پلیس نیز حمله متقابل کرده و تظاهرات پایان یافته بود.

در این روزها مبارزه سیاسی در کشور ادامه داشت. در اول دسامبر "سالومه زورابیشویلی"، رئیس‌جمهور کشور از دانش‌آموزان مدارس خواسته بود تا به تظاهرات بپیوندند. او تقریباً ۶ سال است که رئیس‌جمهور گرجستان بوده است. می‌توان

پرسید که او در این مدت برای توسعه کشور چه کرده است. و حالا او می‌خواهد بچه‌های مدرسه را به میدان جنگ بفرستد.

علاوه بر این، او اعلام کرده است که قصد ندارد پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری خود در ۲۹ دسامبر، سمت خود را ترک کند. او می‌گوید که نتایج انتخابات پارلمانی ۲۶ اکتبر را که به "رویای گرجستان" اکثریت و قدرت دولتی داده، به رسمیت نمی‌شناسد. او معتقد است که دولت غیرقانونی است و دارای قدرتی قانونی برای لغو تصمیمات او نمی‌باشد.

دوستان اتحادیه اروپا در گرجستان زمانی که اوضاع در کشور از کنترل خارج شود مستاصل شده و رئیس‌جمهور طرفدار غرب را به سمت ماجراجویی‌های بزرگتر سوق می‌دهند.

"ایراکلی کوباخیدزه"، نخست‌وزیر گرجستان، با آرامش پاسخ داده که ماموریت رئیس‌جمهور در ۲۹ دسامبر به پایان می‌رسد و "سالومه زورابیشویلی" پس از آن می‌بایست اقامتگاه و مقام ریاست‌جمهوری را به رئیس‌جمهور تازه منتخب، طبق تصمیم پارلمان و دولت، واگذار نماید.

ظاهراً "زورابیشویلی" رئیس‌جمهور طرفدار غرب در تلاش است تا آخرین لحظه برای ایجاد ناآرامی و کمک به کودتای برنامه‌ریزی‌شده مقاومت کند. اما شواهد نشان می‌دهند که این بار جنگ‌سالاران غربی و نوکرهایشان در گرجستان ناچار به قبول شکست هستند.

تظاهرات مخالفان در ۳ دسامبر در اوایل ساعت ۱۰ شب، زمانی که پلیس با آتش‌بازی، انفجار و استفاده از بمب‌های آتش‌زای تظاهرکنندگان مقابله کرد، متوقف شد. من فکر کردم که دیگر مجوز تظاهرات دیگری در تغلیس صادر نمی‌شود.

روز بعد، پلیس به دفاتر چند حزب مخالف یورش برد. در آنجا پلیس در اتاق‌های اداری انواع وسایل آتش‌بازی و حتی بمب‌های آتش‌زا پیدا کرد. همه چیز مصادره شد. تظاهرات در آن زمان بدون خشونت و بدون دخالت پلیس ادامه یافت.

برنامه‌های کودتای غرب در گرجستان تا حدودی به نتیجه نرسیده است زیرا در گرجستان هیچ حزب فاشیستی خشونت‌باری مانند حزب "س‌ووبودا Svoboda" در اوکراین در سال ۲۰۱۴ وجود ندارد. جریانی که در آن افراد قاتل و خشونت‌طلب جمع شده بودند و ایالات متحده می‌توانست در آن پنج میلیارد دلار برای انجام کودتا و جنگ علیه مردم اوکراین سرمایه‌گذاری کند.

انجام کودتا در گرجستان بدون وجود چنین افرادی خشن و سازمانی نظامی دشوار خواهد بود. اما حرف آخر گفته نشده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که ارتش اوکراین به گروهی متشکل از ۵۰ افسر گرجی که در جنگ اوکراین علیه روسیه خدمت می‌کنند، مرخصی داده است. افسرانی که

به خاطر دیدگاه‌های راست افراطی خود شناخته می‌شوند. قصد این است که این افسران به گرجستان بازگردند و به سمت‌های قبلی خود برگردند تا قیام نظامی علیه دولت را سامان دهند. بدینگونه گرجستان به زندگی خطرناک خود ادامه می‌دهد.

پس گفتار:

در ۱۴ دسامبر، "میخائیل کاواشویلی" به عنوان ششمین رئیس جمهور گرجستان انتخاب شد. بر اساس قانون تصویب‌شده توسط پارلمان گرجستان در سال ۲۰۱۷، برای اولین بار، رئیس جمهور گرجستان از طریق مجمع انتخاباتی به جای انتخابات عمومی انتخاب شد. کاواشویلی یک فوتبالیست سابق است و از جمله برای منچسترسیتی بازی کرده است. او با ۲۲۴ رای از ۳۰۰ نماینده در مجمع مجلس انتخاب شد. دوره ریاست‌جمهوری در گرجستان پنج سال است. مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید روز ۲۹ دسامبر برگزار می‌شود.